

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Vanguard Woman

زن پیشواز

فرستنده: گروه پروسه

ل. کاتاشوا

برگردان از: آساره بختیاری

۰۸ اپریل ۲۰۱۳

ناتاشا

زن سازمانده بلشویک

یک زندگینامه کوتاه

۳

ناتاشا، زنان کارگر و انقلاب اکتبر

لنین می‌گفت "آرامش مرگبار کنونی اروپا نباید ما را گول بزند. اروپا مستعد یک انقلاب است. وحشت از هیولای جنگ امپریالیستی و درد و رنج ناشی از هزینه‌های بالای زندگی، روحی انقلابی را در هر جا به وجود می‌آورد و طبقات حاکم؛ بورژوازی با خدمانش، و دولت‌ها بیشتر و بیشتر در حال گیر افتادن در کوچه‌های بن بست‌اند، به طوری که هرگز نمی‌توانند بدون تحولات شگرف خودشان را خلاص کنند".

"همین‌طور که در روسیه ۱۹۰۵ یک خیزش مردمی تحت رهبری پرولتاریا علیه دولت تزاری و با هدف رسیدن به یک جمهوری دموکراتیک آغاز شد، سال‌های آینده، دقیقاً به‌خاطر این جنگ غارتگر، مطالبات در اروپا، منجر به خیزش مردمی تحت رهبری پرولتاریا در برابر قدرت سرمایه مالی، بانک‌های بزرگ و سرمایه‌داران خواهد شد؛ و این انقلابات جز با سلب مالکیت بورژوازی و پیروزی سوسیالیسم تمام نخواهند شد". (لنین، سخنرانی در انقلاب ۱۹۰۵، مجموعه آثار، جلد ۱۹)

این کلمات در جنوری ۱۹۰۷ توسط لنین ایراد شد. در ۲۳ فیبروری همان سال جنبش توده‌های کارگری آغاز شد. جنبشی که در جولای سال ۱۹۱۴ توسط امپریالیسم متوقف شد. جنگ تنها مسائل را به تعویق انداخت و این تأخیر حلقه را تنگتر کرد. جنبش در مرحله‌ای بالاتر و بر بنیانی محکمتر آغاز شد. در ۱۲ مارچ وقتی هنوز لنین در ژنو بود، وقایع را چنین ارزیابی کرد:

"پیش‌بینی سوسیالیست‌های وفادار به سوسیالیسم بدون تسلیم شدن در برابر مسمومیت روح این جنگ وحشیانه و سبعانه، درست از آب در آمده است. انقلاب نخست به خاطر جنگ غارتگر جهانی در میان سرمایه‌داران کشورهای مختلف ناکام ماند، جنگ امپریالیستی یعنی جنگ تقسیم غنایم در میان سرمایه‌داران برای له کردن اقشار ضعیف، در حال تبدیل به یک جنگ داخلی است، یعنی جنگ کارگران با سرمایه‌داران، جنگ زحمت‌کشان و ستم‌دیدگان با ستمگران، با تزارها و پادشاهان، زمین‌داران و سرمایه‌داران، جنگ برای آزادی کامل بشریت از جنگ، فقر توده‌ها، ظلم و ستم انسان توسط انسان.

"شرافت و خوش اقبالی پیشگامان انقلاب این بود که تنها جنگ مشروع، عادلانه و عظیم، جنگ ستم دیدگان در برابر ستمگران تلقی می‌شد و در دستان کارگران روسی قرار داشت".

کارگران پتروگراد سلطنت تزار را بر انداختند. در مبارزه قهرمانانه شان برابر پولیس و ارتش تزار، قیام غیر مسلحانه‌ای را در برابر مسلسل‌ها آغاز کردند و موفق شدند اکثریت سربازان پادگان پتروگراد را به جبهه خودشان بکشانند. همان چیزی که در مسکو و دیگر شهرستان‌ها رخ داد. تزار، رها شده توسط ارتش خود ناچار شد تسلیم شود و استعفاي خود و پسرش را امضاء کند. او پیشنهاد کرد که تاج و تخت به برادرش مایکل واگذار شود.

"به علت سرعت زیاد سرنگونی، کمک‌های مستقیم سرمایه‌داران فرانسوی انگلیسی، آگاهی طبقاتی ناکافی در میان کارگران و توده‌های مردم در پتروگراد و به دلیل بسیج و آمادگی زمین‌داران و سرمایه‌داران روسی، عاقبت آن‌ها بودند که موفق به تصرف قدرت دولتی شدند." (لنین، انقلاب در روسیه و وظایف کارگران همه کشورها، مجموعه آثار، جلد ۲۰، ص ۶۴)

این تعریف لنین از دولت موقت فیودورویچ کرنسکی بود که در سال ۱۹۱۷ پس از سقوط تزاریسم به قدرت رسید. البته، کارگران به چنین دولتی اعتماد نداشتند. کارگران سلطنت را سرنگون کرده بودند، برای صلح، برای غذا و برای آزادی جنگیده بودند. کارگران پتروگراد ضربه خورده از سلطنت تزار، بلافاصله سازمان خود را تشکیل دادند. هیأت نمایندگان کارگر- و بی‌درنگ شروع به تحکیم و گسترش آن و تشکیل هیأت‌های مستقل سربازان و نمایندگان دهقانان کردند.

روز نخست انقلاب فبروری همزمان بود با روز جهانی زن. جنگ، توده‌های عظیمی از کارگران زن را گرد آورده بود و دهقانان با واقعیت‌های زندگی در روسیه رو در رو شدند. زندگی زنان روسی بی‌رحمانه خراب شده بود و زنان به گرداب مشکلات اقتصادی کشور گرفتار شدند. زنان به جای همسران‌شان که به جنگ رفته بودند بر ماشین‌آلات کار می‌کردند، در حالی که زنان دهقان به دلیل نبودن اسب مجبور بودند بدون خیش زمین را شخم بزنند (اغلب هم شوهر و هم اسب برای جنگ اعزام شده بودند).

زمستان ۱۹۱۶-۱۹۱۷ سخت پیش می‌رفت. قیمت مواد غذایی شدیداً افزایش یافت. کمبود مواد غذایی بود و مردم در صف‌های طولانی در فروشگاه‌ها منتظر جیره غذایی بودند.

در پایان فبروری ۱۹۱۷ اعتصابات تحت شعارهای "مرگ بر جنگ" و "مرگ بر سلطنت" یکی پس از دیگری در کارخانه‌های بزرگ پتروگراد و مسکو شکل گرفت. این جنبش توسط بلشویک‌ها هدایت می‌شد. زنان کارگر که تعدادشان در کارخانه‌ها بسیار زیادتر شده بود و بار سرپرستی خانواده تا حد زیادی از روی دوش‌شان برداشته شده بود، شرکت فعالانه‌تری در این جنبش داشت‌اند. جنبش زنان به صورت خودجوش آغاز شد. روز جهانی زن برخی اصول تشکیلاتی را نشان داد و زنان تحت شعار "صلح و نان" و "شوهران ما باید از جبهه بازگردند" به خیابان‌ها ریختند.

همزمانی روز نخست انقلاب فبروری و روز زن تصادفی نبود. اهمیت تشکیلاتی و آموزشی در این روز حتی پیش از جنگ مشخص شده بود. کارگران زن دریافته بودند که رهائی آن‌ها تنها در شرکت یک پارچه شان در جنبش طبقه کارگر است. در دوران جنگ، با افزایش نقش زنان در چرخه اقتصادی کشور جنبش زنان به مرحله بالاتری از توسعه دست یافت.

در ۲۳ فبروری در پتروگراد و به علت درگیری در کارخانه پوتیلوف که به تظاهرات و به انقلاب پیوسته بودند دولت پیشین تلاش کرد تا مانع حضور زنان در مراسم روز جهانی زن شود. بنابراین حرکتی خودجوش در اعتراض به شرایط وحشتناک زندگی صورت گرفت که بنیان سازماندهی‌اش را روز جهانی زن - یکی از حلقه‌ها در زنجیره کار حزب بلشویک- قرار داد.

لنین در ماه اپریل وارد شد و کار تجدید قواء، سازماندهی و تقسیم نیروهای بلشویک، آموزش‌شان برای نبردهای آینده، با گام‌های بزرگی پیش رفت. ساموئیلو واکه در این زمان در پتروگراد زندگی می‌کرد، با آن انرژی و شور و شوق ذاتی‌اش در صفوف بلشویک‌های لنینیست شروع به کار کرد. او نهضت را در بین زنان کارگر این‌گونه شرح می‌دهد: "در آغاز تنها گروه کوچکی از زنان کارگر پیشرفت کرده داشتیم؛ محفلی که در زمان تولد «زن کارگر» در دوره ۱۹۱۳ تا ۱۹۱۴ گرد هم جمع شده بودند".

او سپس از مفاهیم انقلابی جنگ برای آموزش سیاسی زنان کارگر استفاده کرد، حرکت خودجوش ۲۳ فبروری ۱۹۱۷ واکش گرمی را در قلب سربازان بنیان نهاد، به‌طوری که به‌جای تیراندازی به انقلابیون سر نیزه خود را در برابر سلطنت تزار گرفتند و در سه روز تاج و تخت پوسیده تزار را از پایه‌هایش نابود کردند. انقلاب فبروری با انگیزه‌ای قوی نسبت به تشکیلات در کارگران زن رسوخ کرد. آن‌ها مشتاقانه به سازمان‌های حزب آمدند تا عضو حزب شوند، بسیاری‌شان نیز به اتحادیه‌های کارگری پیوستند.

هنگامی که لنین حرکت بیست و یکم اپریل ۱۹۱۷ را به عنوان "شناسائی موقعیت دشمن" شرح داد، او شعار اصلی - وظیفه کنونی برای دوره گذار از مرحله نخست به مرحله دوم انقلاب - را "برای پیروزی در مرحله دوم انقلاب تدارک ببینیم" تعیین کرد.

این کشور "آزاد" ناگهان با فوران اعتصاب اقتصادی زنان رخت‌شو (عقب مانده ترین بخش حتا در صفوف زنان طبقه کارگر) شگفت زده شد. اما شگفتی هنگامی بیشتر شد که یکی از مهم‌ترین درخواست‌هایی را که آن‌ها که مطرح کردند، ملی کردن رخت‌شوی‌خانه‌ها و انتقال‌شان به بومای محلی [شهرداری‌ها] بود. این تقاضا در کاخ توریدا [مقر دولت موقت] به «جوژدیف» سوسیال دموکرات، وزیر کار، "نماینده" منافع طبقه کارگر در دولت سرمایه‌داری تحویل داده شد.

اما این "مدافع" منافع طبقه کارگر مطالبات را "بدموقع" خواند.

اعتصاب رختشوی خانه با رشد احساسات انقلابی در میان زنان کارگر پتروگراد همراه بود، کسانی که چشم به کاخ توریدا دوخته و با دیدگاه‌های "مدافعان" شان که آنجا تکیه زده بودند، موافق نبودند. ۲۱ اپریل با ناراضایتی به پایان رسید. "زنان کارگر نادیده گرفته شدند" اما این امر چشمان ما را باز کرد. کینه درونی نسبت به سرمایه‌داران افزایش یافت، و ایمان به منشویک‌ها و سوسیالیست‌های انقلابی از بین رفت.

افزایش احساسات انقلابی در میان زنان کارگر از دید ستاد بزرگ انقلاب کبیر اکتوبر پنهان نماند؛ مطابق با تصمیم کمیته مرکزی بلشویک‌ها، انتشار کارگر زن تجدید شد (۱۰ ماه مه)، و مجله به یکباره بهترین نیروهای کارگران زن پتروگراد را گرد خود جمع کرد.

هیأت تحریر مرکب بود از کروپسکایا، اینس آرماند، استال، کولونتای، الیزاروا، کودلی، ساموئیلو و، نیکولایو و تعدادی از زنان کارگر پتروگراد.

ویراستارهای «زن کارگر» زنان کارگر را دور خودشان جمع کرده بودند، با هیجان بسیار در جلسات شرکت می‌کردند و اعلامیه‌هایی علیه جنگ و هزینه‌های بالای زندگی منتشر می‌کردند.

جلسه ضد جنگ نقش بسیار ویژه بر عهده داشت که در ماه جون در سیرک چینیزلی برگزار شد. این جلسه، تجمع جهانی علیه جنگ در جبهه‌هایی که فیودوروویچ کرنسکی و همه مطبوعات سرمایه‌داری پیش‌روی کرده و تحریکات فوق العاده‌ای را ادامه می‌دادند. این جلسه کارگران مرد و زن بسیاری را جذب کرد به طوری که سازمان گنجایش این جمعیت را نداشت. جلسه ای برای سرنگونی [رژیم] ترتیب داده شد که ساموئیلو واکه در آن سخنرانی کرد. این جلسه خشم زیاد مطبوعات سرمایه‌داری را برانگیخت.

ویراستارهای «زن کارگر» همچنین فعالیت‌های سازمانی زیادی را در کارخانه‌ها راه انداختند. *سامونیلو* و *ونیکولایو* نقش مهمی در این کار داشتند. هر کارخانه نماینده‌ای را به هیأت تحریر زنان کارگر گسیل داشت. این هیأت منحصر به فرد، هر هفته گرد می‌آمدند و در مورد گزارشات رسیده از مکان‌های مختلف بحث می‌کردند. به این شکل هیأت تحریر از همه آن‌چیزی که در کارخانه‌ها می‌گذشت آگاه بود و می‌توانست موج انقلابی که در میان پرولتاریای پتروگراد در حال افزایش بود، را حس کند.

انقلاب فرم انقلابی خود را گرفته بود و این نمایندگان زن در کارخانه‌ها نمونه‌ای از سازمان دهندگان زن در آینده بودند که توسط واحدهای کارخانه‌ای برای کار در میان زنان کارگر منصوب شده بودند.

در "روزهای جولای" ۱۹۱۷ زمانی که دفاتر روزنامه *پراودا* غارت شد، کارگر زن در شماره جولای مقالاتی از اعضای کمیته مرکزی بلشویک منتشر کرد که مفهوم "روزهای جولای" برای توده‌های کارگری را توضیح می‌داد و به مسیری که باید در آینده دنبال شود، اشاره داشت. پس از آن دولت «زن کارگر» را هم توقیف کرد. وقتی روز پس از انتشار پولیس کرنسکی به دفتر مجله آمد، کسی آن‌جا حضور نداشت. زنان کارگر در طول شب نشریات را به کارخانه‌ها منتقل کرده بودند.

تحریکات آتشین پس از سرکوبی مطبوعات بلشویک، موانعی را پیش پای بلشویک‌ها گذاشت که دو دلی جنبش زنان کارگر را در پی داشت؛ حتی به نظر می‌رسید برخی از آن‌ها تحت تأثیر کمپین فحاشی مطبوعات ضد بلشویکی مبنی بر این‌که *لنین* جاسوس آلمان‌ها است، قرار گرفته‌اند.

سامونیلو و در یکی از مقاله‌هایش با تلخی (با این حال در همان زمان تأکید داشت که هرگز نباید از انتقاد و بیان اشتباهات مان ترسی داشته باشیم) نوشت که پس از "روزهای جولای" برخی از زنان کارگر که کاملاً عضوی از حزب بلشویک شده بودند متزلزل شدند؛ یک یا دو نفر از آن‌ها به دفتر تحریر زن کارگر آمدند و کارت‌های عضویت‌شان را پرت کردند و گفتند "ما نمی‌خواهیم در حزب جاسوس‌های آلمانی باشیم".

اما این تردیدها برای *سامونیلو* و *ونیکولایو* همچون خاری بود در راهی که سبب می‌شد فعالیت‌های سازمانی، ترفیعی و تبلیغاتی‌شان را با پشت‌کار بیشتری دنبال کنند.

سامونیلو و در یک عمل خلاقانه برای زنان کارگر و اکثریت سازمان‌دهندگان ما، در کارخانه‌هایی که این دوره‌ها را گذرانده بودند برنامه‌های کوتاه مدت آموزشی برگزار کرد. هدایت این دوره‌ها و تدریس افراد به عهده *سامونیلو* و بود. سپس شیوه جدیدی از کار در میان زنان کارگر شکل گرفت؛ برگزاری همایش‌های زنان کارگر.

نمی‌توان با قطعیت گفت که این شکلی از کار به خاطر استعداد ذاتی *سامونیلو* و در سازمان‌دهی پا گرفت و یا به طور ناخودآگاه به ذهن همه رفقای رسید که با تدارک پر شورشان برای انقلاب اکتوبر مشغول به کار در این حوزه بودند. هر چه که بود، تدارکات گسترده برای این شکل خلاق و جدید، سازمان‌دهی توده‌ها را در پی داشت. انتخابات در تمام کارخانه‌ها برگزار شد، و به بیداری زنان کارگر عقب مانده کمک کرد و آن‌ها را تا سطح پیش قراولان قهرمانی که اکتوبر سرخ را ساختند، بالا برد. این انتخابات فراخوانی برای کار فعال و مبارزه انقلابی فعال بود.

جلسه‌ای که در آن نمایندگان کارگران زن با هیأت مبارزه - *سامونیلو* و *ونیکولایو* - مشورت کردند، روز شنبه در خیابان *کیرسان* در کلوپ "وحدت" برگزار شد. در این کنفرانس گزارش‌های مربوط به رتبه و دوسیه کارگران و نیز گزارش‌های مربوط به نتایج انتخابات داده شد. این گزارش‌ها به عنوان شاخص دقیقی از وضعیت کلی احساسات در میان پرولتاریای پتروگراد به کار گرفته شد.

سامونیلو و به خوبی آگاه بود که شاخص به "توفان" اشاره داشت. این کنفرانس در پایان ماه اکتوبر برگزار شد. گشایش یافت و کارش را آغاز کرد، اما این کار همزمان گشت با همان "ده روزی که دنیا را تکان داد". تصمیم بر این شد تا

برای حضور نمایندگان، که سازمان دهندگان توده‌ها در کارخانه‌های خاص خود بودند، کنفرانس به تاریخی دیگر موکول شود؛ تا در این روزهای سرنوشت‌ساز سر پست‌های خود باشند و وظیفه خود را در مبارزه برای انقلاب اکتوبر به خوبی انجام دهند. کنفرانس در نومبر از سر گرفته شد؛ پس از این‌که انقلاب اکتوبر با موفقیت به سر انجام رسید. نیکولایوا، رئیس هیأت مدیره و ساموئیلو و عضو هیأت رئیسه بود. همه زنان فعال کارگر پتروگراد در این کنفرانس حضور داشتند - «امیلیا سولنین» از کارخانه آبیواز، «وینوگرادو و» از کارخانه «باسیلی لیسند» پاپ، «واسینا» ی ریسنده از کارخانه «لیتکا» در ویبورگ، «میاش» از کارخانه اریکسون (بعدها در جبهه یورنیچ کشته شد)، و غیره. از همان آغاز، این کنفرانس سطح بالائی از آگاهی طبقاتی را در میان حاضران به نمایش گذاشت. کنفرانس خودش را به عنوان ارگان قدرت طبقه کارگر احساس می‌کرد. باران سوالات بر سر هیأت رئیسه باریدن گرفت؛ این‌که چرا زینوویف و کامیف از کمیته مرکزی حزب رفتند، چرا رایکوف و لوناچارسکی از شورای کمیساریای خلق استعفاء داده بودند. [زینوویف و کامیف با تصمیم شروع انقلاب اکتوبر مخالف بودند. رایکوف و لوناچارسکی با موضع راسخ حزب در قبال احزاب به اصطلاح دموکراتیک موافق نبودند.] کمیته مرکزی در قبال جهت‌گیری‌شان چه می‌توانست بکند؟ کنفرانس نمی‌خواست در لحظه‌ای که سکون می‌توانست قدرت طبقه کارگر را مختل کند، غیر فعال بماند.

بلافاصله پس از سخنرانی ساموئیلو و، تصمیم زیر اتخاذ شد:

" جلسه زنان کارگر خواهان آن است که اعضاء از نظم و اصول حزب تمکین کنند و یک پارچگی و یگانگی حزب پرولتاریای انقلابی را - که در حال حاضر پیش قراولی جنبش انقلابی پرولتاریای جهانی را نمایندگی می‌کند - حفظ نماید و باید راهی برای خروج از وضعیت حاضر یافت. پرولتاریای روسیه تنها با دنبال کردن خط طبقاتی انقلابی مشخص می‌تواند از جنبش انقلابی پرولتاریای جهانی برای سوسیالیسم حمایت کند".

نماینده‌ای به اسمولنی، ستاد کل مبارزه کارگران انقلابی در پتروگراد، فرستاده شد تا رفقای متزلزل را از نیت مبارزه کارگران زنی که رفتارشان را به شدت محکوم کرده‌اند، آگاه کند.

این تصمیم در اواخر شب به تصویب رسید. وقتی برای از دست دادن نبود. همان شب هیأت نمایندگان به اسمولنی رفت. زنان کارگر با اعتقاد کامل به این‌که به عنوان نمایندگان کارگران زن، باید بتوانند بر رفقای که اصول حزب را نقض کرده‌اند تحت نظارت خود قرار دهند، جلسه را ترک کردند. زنان از این خشمگین بودند که در چنین لحظه‌ای که نگاه کارگران سراسر جهان به روسیه دوخته شده در صفوف مان شکاف ایجاد شده و نگاه دشمنان مان به آن‌چه که ما را تهدید می‌کند، خیره شده است. هیأت نمایندگان در مسیرشان به اسمولنی برای نخستین بار به دیدن لنین رفتند. لنین آن‌ها را به آرامش فراخواند و گفت رفقای که هنوز به امکان رسیدن به توافق با سازمان‌های به اصطلاح دموکراتیک معتقداند، باید خیلی زود از این فریب آگاه شوند.

این هیأت اظهار داشت: "رفیق لنین قدرت را به دست بگیر؛ این چیزی است که همه زنان کارگر می‌خواهند. لنین پاسخ داد: "این من نیستم بل‌که شما کارگران هستید که باید قدرت را به دست بگیرید. به کارخانه‌های‌تان باز گردید و این را به کارگران بگوئید".

زنان کارگر پتروگراد خودشان را با موقعیت وفق دادند؛ آن‌ها شانه به شانه پرولتاریای پتروگراد که از لنین به عنوان یک انسان پیروی می‌کردند، راه پیمائی کردند. به لطف رهبری صحیح و کار بزرگ حزب کمونیست (ساموئیلو و) یکی از پیشگامان این کار بود، کارگران زن دوشادوش کارگران انقلابی پتروگراد که در آن زمان سرنوشت انقلاب اکتوبر را در دست داشتند، می‌جنگیدند.

در این کنفرانس تصمیماتی در مورد مسأله حفاظت از نیروی کار مؤنث و مادران و نوزادانی که بعدها اساس قوانین تصویب شده دولت شورائی را در این زمینه تشکیل داد، گرفته شد. هم چنین تصمیم گرفته شد تا هیأت نمایندگی به

رهبری رفیق نیکولایو - که در آن زمان در جلسه حضور داشت - برای اعلام تصمیم زنان کارگر پتروگراد به حمایت از شورای کمیساریای خلق که به تازگی توسط بلشویک ها به عنوان ارگان دولتی طبقه کارگر سازماندهی شده بود، به کنگره شورای نمایندگان دهقانان فرستاده شود.

سامونیلو و تمام فعالیت های انقلابی خود را در انقلاب اکتوبر، به قیام توانا و خلاق زنان کارگر - یاری دهندگان پیروزی انقلاب - اختصاص داد. پس از آن، مشارکت فعالی در کارهای حزب و شورا در حوزه مطبوعات داشت؛ او همچنین استعداد خلاقش را به عنوان یک کارگر فعال سیاسی نشان داد و تلاش هایش را معطوف جذب زنان کارگر و بعد از آن زنان روستائی، صفوف حزب کمونیست، صفوف مبارزان برای قدرت شوراهای و صفوف پایه گذاران حکومت شوروی کرد. او اشکال جدیدی از برانگیزاننده ها، سازماندهی و تبلیغ در میان توده ها را باب کرد. همه این اشکال جدید شاید به پیشنهاد او نبوده اما او همیشه روی جزئیات شان کار می کرد و آن ها را به عنوان یک راهنمای عملی به توده ها ارائه می داد. نتیجه همیشه یکسان بود: توده ها برای مبارزه و کار خلاق انقلابی، برانگیخته، سازماندهی و برافروخته می شدند.

سال ۱۹۱۸ / *لنین* خطری را اعلام داشت: "امپریالیسم جهانی در حال یورش به روسیه است. سرزمین مان در حال چپاول است".

این آغاز مداخله بود، آغاز جنگ داخلی. مشکلات جدیدی به وجود آمد؛ چگونه الهام بخش زنان کارگر برای ایستادگی در برابر دشمن باشیم و آن ها را سازماندهی و تهییج کنیم. این مشکلات حل شد. سازمان دهندگان کنفرانس زنان پتروگراد در زمان انقلاب اکتوبر هنوز هم این کنفرانس را در حافظه خود داشتند. آن ها تصمیم گرفتند یک کنفرانس غیر حزبی زنان کارگر از کلی جمهوری شوروی تشکیل دهند. پس از آن، دامنه این کنفرانس نه تنها به زنان کارگر که به زنان روستائی کشیده شد. البته سامونیلو و در میان پیشگامان بود.

سوردلوف منشی کمیته مرکزی حزب کمونیست به نام خود از این پیشنهاد حمایت کرد و کمک های زیادی هم به آن نمود و اعلام داشت که باید در این مسؤولیت جدید و دشوار گام های مشخصی بر داشت. او با کمیته های حزب در مناطق مختلف تماس گرفت تا کمک شان را معطوف این امر کند. یک گروه سازماندهی جهت تدارک برای این کنگره تشکیل شده بود. اعضای آن برای تبلیغات کنگره و سازماندهی انتخابات نمایندگان کنگره به تمام بخش های تقریباً انقلابی پهنه کشور، که برای همه هستی شان علیه امپریالیسم جهانی می جنگیدند، رفتند. همه جا عرصه نبرد بود (همه جا جبهه های جنگ بر پا بود)، بلوک ها تکه تکه شده بودند، خون ها راه افتاده بود.

سامونیلو و برای مشکلات سازمانی چاره ای اندیشید و گزارشی در مورد "حزب کمونیست و زن کارگر" تهیه کرد. در تاریخ مبارزه برای حکومت شوروی، در ساخت این قدرت، کنگره جایگاه مهمی داشت. *لنین* در سخنان خود در کنگره دلایل مناسبی برای تأکید بر اهمیت آن داشت.

بررسی اعتبار نمایندگان این کنگره، که در آرشیو موجود است، نشان می دهد که چه میزان کار برای تشکیل آن انجام شده و چه توده های بزرگ کارگری زنان آن را به ارمغان آوردند. همه اعضای حزب و کارخانه ها به فراخوان پاسخ دادند و اهمیت آن را درک کردند. در کشوری که در آن جنگ داخلی طغیان کرده بود و عوامل بورژوازی جهانی سعی داشتند جمهوری جوان کارگری را در نطفه خفه کنند، کارگران مرد و زن کارخانه ها در همه جا به فراخوان کمیته مرکزی حزب کمونیست در فرستادن نیروهای جدید برای مبارزه پاسخ دادند.

با برگشتن ورق، اعتبار فعالان سیاسی نیز تغییر کرد، به عنوان مثال، می بینیم که چگونه کارگران صنعت نساجی واکنش نشان دادند. اکثریتی از زنان کارگر نساجی گرد آمدند. در کنار کارخانه های معروف - در زمینه مبارزه علیه سرمایه داران - نام های جدید ظاهر شدند. به این ترتیب کارخانه موروزوف در «اورخوؤ زوواؤ» با ۲۱۴,۱۶ کارگر

زن نمایندگان خود را به کنگره فرستاد؛ پس از آن زنان کارخانه‌های «رازورونوف»، «واخرومیف»، «دیدا» و «رازکازوف» در «تامیوف گوبرنیا» آمدند؛ بسیاری از نمایندگان از پرم و سامارا فرستاده شدند. همراه با نام قدیمی کارخانه، نام‌های انقلابی تازه‌ای هم برای‌شان به کار می‌رفت - کارخانه جمهوری روسیه، پنجمین کارخانه مردمی توتون. فهرست فعالان معتبر توسط سازمان حزب، کمیته‌های کارخانه‌ها، اتحادیه‌های کارگری و کمیته‌های اجرایی منطقه منتشر شد؛ زنان کارگر- به استثنای یک معلم مدرسه و یک زن دهقان (پلاگیا پرفیلیوا از روستای کازیلوا)- کمیته دهقانان فقیر را تشکیل دادند. زنان دهقان بعدها، زمانی که شنیدند کنگره زنان در مسکو برگزار شده است به میل خود [به این کمیته] آمدند.

این کنگره که زمانش بسیار کوتاه بود از ۱۱۰۰ زن نماینده از مناطق مختلف تشکیل شده بود که به رغم شرایط وحشتناک سفر دور هم گرد آمده و کار بزرگ و مبارز مجویانه‌ای برای سازماندهی و آموزش انجام دادند که منجر به تبادل تجارب انقلابی شد. کارگران مناطق دور افتاده فهمیدند که چگونه زنان کارگر پتروگراد شیوه جدیدی از زندگی را آغاز کرده‌اند. این امر آن‌ها را به مبارزه و کار تشکیلاتی تشویق کرد. ساموئیلووا می‌نویسد: "این کنگره بسیاری از کادرهای زنان کارگر فعال را به جلو برد".

لنین که هنوز از اثرات زخمش در رنج بود در این کنگره صحبت کرد و اصول اساسی در این حوزه کاری را مشخص نمود. او در لحظه‌ای رسید که یک زن زارع سختی و مشقت استثمار کولاک [دهقانی ثروت‌مند] را شرح می‌داد. این کارگر مزرعه کاملاً دریافته بود که تنها راه ممکن برای خلاص شدن از بار زندگی، اتحاد با تمام زحمتکشان در یک سازمان واحد برای مبارزه در برابر ستمگران است. او اظهار داشت که به‌رغم بی‌سوادی به خوبی دریافته که در اطرافش چه می‌گذرد و در صورت لزوم تفنگی بر می‌دارد و به جبهه می‌رود. او گفت بگذارید "بزدلانی که نمی‌توانند تفنگ به دست گیرند با عنوان پرستاران و دل‌گرم کنندگان رفقاء با کلماتشان به جبهه بیايند".

لنین اشاره‌ای کرد، اما نه برای گسیختن سخن او. لنین ایستاده بود و تا زمانی که سخنانش پایان گرفت به او گوش داد و سخنرانی خود را در پاسخ به این زن دهقان با تبریک به کنگره آغاز کرد. او گفت که انقلاب‌های قبلی شکست خوردند، چرا که روستاها شهرها را پشتیبانی نکردند. اما به یکباره روستای فقیر با شهر کارگری همراه می‌شود و خودشان را در برابر کولاک‌ها (امثال کولاک منظور دیگر استثمار کنندگان دهقان است) سازماندهی می‌کنند، ما وارد عصر جدیدی از انقلاب سوسیالیستی واقعی شده‌ایم که مبارزه علیه کولاک‌ها هم چنین حضور زنان دهقانان را می‌طلبد.

او گفت: "رفقاء از برخی زوایا کنگره بخش زنان ارتش پرولتری از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، چرا که زنان در همه کشورها با سختی بی‌نهایت به سمت خیزش گام بر داشته‌اند. تجربه همه جنبش‌های آزاد نشان می‌دهد که موفقیت انقلاب بستگی به میزان مشارکت زنان در آن دارد. حکومت شوروی هر کاری انجام می‌دهد تا شاهد این باشیم که زنان به طور مستقل کار سوسیالیستی پرولتری خود را ادامه می‌دهند.

"چنانچه صفوف عظیم زنان زحمتکش مشارکت قابل توجهی در انقلاب نداشته باشند، انقلاب سوسیالیستی وجود نخواهد داشت".

"تا به حال، هیچ جمهوری قادر به آزاد کردن زنان نبوده است. حکومت شوروی به آن‌ها کمک خواهد کرد. جنبش ما شکست ناپذیر است، چرا که طبقه کارگر شکست‌ناپذیر در همه کشورها به پا خاسته است. این جنبش به معنای ظهور یک انقلاب سوسیالیستی شکست ناپذیر است".

سپس می‌افزاید: "باید به‌یاد داشته باشیم که انقلاب بستگی به میزان مشارکت زنان دارد. از زمانی که زنان مبارزه را نه فقط برای آزادی خود، که برای سوسیالیسم (اقتصاد همگانی) آغاز کرده‌اند، می‌توانیم مطمئن باشیم که انقلاب اجتماعی تضمین شده است".

و در پایان می‌گوید:

"زنان برخاسته‌اند، پس پیروزی سوسیالیسم حتمی است".

بعدها، ایده‌های *لنین* در مطبوعات و در همایش‌های زنان - از جمله همایشی که در سال ۱۹۱۹ مسکو برگزار شد - و پس از آن در تمام نقاط کشور در قالب شعارهایی بسط یافت، شعارهایی که الهام‌بخش زنان جدیدی بود که به ندای *لنین* برای شرکت‌شان در فعالیتهای انقلابی و حیات سیاسی پاسخ گفته بودند.

سامونیلو و در نوشته‌های خود بارها و بارها به این کنگره اشاره می‌کند. او جزوه ویژه‌ای در ارتباط با آن نوشت و بنا به درخواست خودش قطع‌نامه این کنگره در سال ۱۹۲۰ در خارکوف دوباره منتشر شد. بعدها، هنگامی که مسئله کار در میان زن روستائی مطرح شد، به شکل زنده ای آن زن دهقان را بعید می‌آورد که همسرش را در جنگ از دست داده و می‌شنود که مردان و زنان کارگر برای کمک به فقراء به روستاها می‌روند و اعلام می‌کند که بچه‌هایش را ترک می‌کند، تفنگی بر می‌دارد و به جنگ با همه این "زمین‌خواران" می‌رود.

این کنگره تأثیر خود را نه تنها بر هزار و صد نماینده‌ای که در آن جا حضور داشتند، که بر صدها هزار و پیش‌تر از آن ده‌ها هزار کارگری که آن‌ها را انتخاب کرده بودند، بر جای گذاشت.

سامونیلو و در کنگره با مسایل تشکیلاتی مشغول بود. او گفت‌وگوهای بی شماری با نمایندگان داشت و به آن‌ها توضیح داد که چگونه زنان کارگر و دهقان باید در کار ساختاری شرکت کنند. به واسطه مطالب بسیاری که در این کنگره جمع‌آوری شده بود، شروع به ایجاد اشکال چند جانبه از کار در میان زنان کرد که موجب تقویت حزب ما شد و روشش را برای کار جمعی توسعه داد. پس از پایان کنگره، کمیته مرکزی حزب کمونیست روسیه تصمیم گرفت سازمان ویژه‌ای تحت نظارت کمیته مرکزی و در تمام سازمان‌های محلی حزب، برای کار در میان زنان تشکیل دهد.

نتایج کنگره چه بود؟ تاریخ حکومت شوروی این نتایج را نشان می‌دهد؛ کار تشکیلاتی با وجود جنگ داخلی و همه جبهه‌هایی که در شرق، شمال، جنوب، در سیبری، اورال، اوکراین و قفقاز باید از آن‌ها دفاع می‌شد، با وجود جنگ با ژنرال یودنیچ (ژنرال ارتش سفید) در بسیاری از دروازه‌های پتروگراد و ژنرال دنیکین (ژنرال ارتش سفید) در اورل. همه‌جا زنان کارگر و دهقان برای حکومت شوروی مبارزه می‌نمودند، خودشان را در کارهای تشکیلاتی وارد می‌کردند و در کار بزرگ سازمان که همچنان پیش می‌رفت، مشارکت داشتند.

دوره‌های آموزش پرستاران سرخ برای کمک به ارتش سرخ (چنان که بسیاری از مردان ارتش سرخ زندگی خود را مرهون از خودگذشتگی این زنان بودند) سازماندهی شد؛ جهت تدارکات ارتش سرخ و کارگران، زنان بخش‌های آذوقه، جهت جمع‌آوری سهمیه غلات و سایر محصولات که برای جبهه‌ها فرستاده می‌شدند، بر پا کردند. اما بالاتر از همه زنان کارگری بودند که برای نگهداری از بچه‌ها، سازماندهی شیرخوارگاه‌ها، خانه‌های کودکان، وعده‌های غذایی گرم در مدارس، کارگاه‌های دوزندگی و غیره فرستاده می‌شدند. نسل جوانی که در حال حاضر سوسیالیسم را در برنامه پنج ساله دوم می‌سازد، زندگی و قدرت خویش را مدیون زنان فعال در کنگره نخست زنان است.

زنان تنها در پشت جبهه و کار آمبولانس نبود که به ارتش سرخ کمک کردند. مجله «کمونیستکا» («زن کمونیست») با جمع‌بندی سه سال نخست حکومت شوروی، آن لحظات قهرمانانه‌ای که زنان کارگر در دفاع از کشور، مشارکت عظیمی در جنگ داشتند، را یاد کرد: در لوگانسک در سال ۱۹۱۹ و تولا در سال ۱۹۱۹ زنان کارگر سوگند یاد کردند که اگر دنیکین بخواهد از طریق تولا به مسکو دست‌یابد، باید از نعش آن‌ها بگذرد - و سرانجام زنان کارگر *لنینگراد* نیز شانه به شانه مردان از مرکز انقلابی‌شان دفاع کردند.

کنفرانس زنان غیر حزبی در سال ۱۹۱۷ در پتروگراد و کنگره غیر حزبی زنان کارگر و دهقان تمام جمهوری‌های شوروی ثابت کرد که این اشکال سازماندهی برای تحریک یک حرکت توده‌ای از زنان کارگر بسیار تأثیرگذارند.

پشنهاد عالی ساموئیلو و/ در کنفرانس غیر حزبی به عنوان یک روش کار حزبی در میان توده‌های بزرگ مردم عقب‌مانده به تصویب رسید. در تمام این همایش‌ها رفیق ساموئیلو و/ همه را با توانائی بی‌نظیر خود تحت تأثیر قرار داد. او راسخ، توانا و در عین حال یک رئیس دلسوز بود. در این کنفرانس‌ها بود که استعداد ساموئیلو و/ در سازماندهی و به حرکت درآوردن توده‌ها کاملاً به کار گرفته شد و کادری از زنان کارگر تشکیل داد. او به همایش‌های غیر حزبی به عنوان یک شکل از تشویق و به حرکت واداشتن توده‌ها و سازماندهی می‌نگریست تا زمانی که جهت بیدار کردن و هدایت توده‌ها نیاز به اقدام فوری باشد، باید تشکیل شود. کنفرانس غیر حزبی مسکو در سال ۱۹۱۹ یک نمونه از این همایش‌هاست. در مسکو سرما و گرسنگی حاکم بود. یک کنفرانس غیر حزبی از زنان کارگر و دهقان برگزار شد، اما کار در میان آن‌ها به سختی آغاز شد. اما با وجود این شرایط دشوار، کارگران زن غیر حزبی از این همایش استقبال گسترده‌ای نمودند. ز/اویالو/ فریاد زد: "ما زنان کارگر مانند دیوار فولادنی هستیم که هیچ‌کس توان شکستنش را ندارد". زنان دهقان به جای شکایت از سختی‌ها و محرومیت‌ها، اعتراض کردند که کولاک شانس دوباره‌ای برای کار به آن‌ها نمی‌دهد. آن‌ها گفتند: "رفقای ما را که برای مردم فقیر به پا خاسته‌اند مرخص کنید، ما باید به پیشواز حکومت شوروی برویم. یا کنگره غیر حزبی زنان کارگر و دهقانان را در اوکراین برگزار کنید، جایی که در آن پیروزی کارگران چندین بار به دنبال انتقام بی‌رحمانه ضد انقلاب به رهبری امپریالیسم جهانی در هم شکسته شد. چه رنج‌هایی که زنان ساکن آن‌جا متحمل نشدند. محاصره توسط باندهای وحشی شکار کمونیست‌ها، و شکنجه زنان بدون توجه به سن و جنسیت‌شان. این‌جاست که تصویر اوکراین آن روزها توسط رفیق‌هایپر، سازمان‌دهنده برجسته حزب در اوکراین ارائه می‌شود.

رفیق هایپر می‌نویسد: "هنگامی که با ارتش سرخ به اوکراین بازگشتیم با صحنه‌ای مواجه شدیم که وحشت اکثر مردم را برانگیخت. دسته دسته زنان بی‌نوا کمونیست، ژنده پوش، پابرهنه در زمستان، خواهران و دختران کمونیست‌ها و یا در واقع زنان کارگر و زنان دهقان - به سوی سازمان‌های شورائی و حزب پیش می‌رفتند.

" انتظار می‌رفت که رنج‌شان مانعی باشد برای فعالیت سیاسی، از این‌رو ما باید به آن‌ها پوشاک، مواد غذایی، سرپناه و غیره، می‌دادیم به‌طوری که مسایل دیگر نتوانند به هیچ وجه آن‌ها را تحت تأثیر قرار دهد ...".

او سپس به توضیح آن شش هفته‌ای می‌پردازد که ساموئیلو و/ در خارکوف بود. رفیق ساموئیلو و/ به خارکوف آمد و جهت کنفرانس زنان غیر حزبی فراخوان داد. افراد شکاکی هم بودند که می‌ترسیدند با دیواری از سوء تفاهم و خصومت روبه رو شوند.

رفیق هایپر ادامه می‌دهد: "اما نخستین جلسه به ما نشان داد که چگونه در اشتباه بودیم. استقبال و سخنرانی‌های نخستین ایمان کامل زنان غیر حزبی به حکومت شوروی و حزب کمونیست را نشان داد. به علاوه، زمانی که آن‌ها در طول برگزاری این کنفرانس داستان درد و رنجی را که متحمل شده بودند بازگو کردند، روشن شد که این آگاهی طبقاتی نتیجه همین درس‌های تلخی است که سال‌های کابوس و درد و رنج این آگاهی را در ذهن هر پرولتری آتش زد. اما همگی با همان حال و هوای عزم و اراده، بدون شکایت از ترور سفید صحبت کردند - برادر یکی به دار آویخته شده بود، همسر دیگری به ضرب گلوله کشته شده بود، پسر یکی در برابر چشمانش تکه تکه شده بود. خانواده‌ها به داشتن ارتباط با کمونیست‌هایی که با شلاق و تفنگ شکنجه می‌شدند بدگمان بودند. بسیاری از نمایندگان هنوز آثار ضرب و شتم و کبودی در سر، دست‌ها و پاها را دارند".

پس از این کنفرانس، کار متمرکز در میان توده‌ها آغاز شد. صدها تن از زنان کارگر غیر حزبی در [گروه‌های] سرکشی به کارگران و دهقانان، در گروه‌های آموزشی و بخش‌های سلامت ثبت‌نام کردند: جلسات، سخنرانی‌ها و مدارس حزب با وجود زنان پر جمعیت شد. رفیق هایپر می‌نویسد: "در انتخابات شوروی هنگامی که منشویک‌ها و

شونویست‌ها امیدوار بودند که قحطی موجب سقوط دولتی شورائی شود و در تبلیغات‌شان کمونیست‌ها را برای قحطی سرزنش می‌کردند، زنان کارگر، زنان ارتش سرخ که بیشتر از همه از فروپاشی اقتصادی ما رنج می‌بردند، سدی قوی در حمایت از حزب کمونیست ایجاد کردند و در سایه [حمایت] آن‌هاست که شوروی ما کمونیستی است".

در نهایت، کنفرانس غیر حزبی ولگا برگزار شد، که داغترین و حیاتی‌ترین مسأله‌اش، مسأله سهمیه‌بندی غلات در سال ۱۹۲۰ بود. یک دوره خشک‌سالی نزدیک بود و کولاک‌ها غلات خود را احتکار کرده بودند. ساموئیلو و/ا کنفرانس غیر حزبی کارگر را در سال ۱۹۲۰ در ساراتوف برگزار کرد و با توانائی رهبری‌اش در این کنفرانس توانست موافقت زنان کارگر را برای فرستادن ۳۵۰ زن کارگر به دسته‌های آذوقه و رفتن به روستاها و رسیدگی به وضعیت برداشت محصول جلب کند، "چرا که کولاک‌ها می‌خواهند با دست استخوانی قحطی حکومت شوروی جوان را خفه کنند". یک صد زن کارگر برای انجام کار به‌طور دائم، به حومه شهر رفتند. ساموئیلو و/ا به طور مختصر در روزنامه‌ها می‌نوشت، به کمیته مرکزی و بخش زنان حزب کمونیست اتحاد شوروی (CPSU) گزارش می‌داد و درباره‌اش در جزوه خود سخن می‌گفت. او می‌خواست تبلیغات گسترده‌تری به این ابتکار عمل زنان ساراتوف اختصاص دهد، به طوری که زنان کارگر از شهرهای دیگر نیز آن را سرمشق قرار دهند.

پس از کنفرانس ساراتوف، ساموئیلو و/ا تمام کارگران فعال حزب را گرد هم آورد و درباره چگونگی اثرگذاری تصمیمات کنفرانس و جزئیات آن به بحث نشست، برای او کاملاً روشن بود که مبارزه طبقاتی باید حول فعالیت نمایندگان زنی که کنفرانس برای کار آذوقه (عرضه) می‌فرستاد، شکل یابد.

پس از برگزاری یک سری از کنفرانس‌های غیر حزبی، ساموئیلو و/ا به این نتیجه رسید که این کنفرانس‌ها بهترین روش برای کار حزبی در میان زنان هستند. او می‌نویسد:

"تجمعات غیر حزبی یک مدرسه گروهی کمونیسم است و ذخیره‌ای است از نیروهائی که برای بازسازی حیات خود می‌توانیم به کار گیریم. نمایندگان کنفرانس تجربه رفقای کهنه کار خود را به مناطق عقب مانده بردند".

او هر کنفرانس را به منظور توسعه اشکال کار تشکیلاتی برای جلب توده‌های عقب مانده به فعالیت سیاسی در جهت کمونیسم بررسی می‌کرد. همان زمان این کنفرانس‌ها او را قادر به مشاهده شیوه‌ای ساخت که در سخنرانی‌ها و جزواتش و در مقالاتش در روزنامه‌ها و مجلاتی که به دست توده‌ها می‌رسید، به کار برد. او بدون ترس از انتقاد، مصرانه به توضیح نکاتی پرداخت که در آن‌ها توده‌ها به درستی منظور او را درک نکرده بودند. شکل دیگری از کاری که ساموئیلو و/ا به آن اهمیت زیادی داد صفحه "زن کارگر" در روزنامه‌ها بود. این صفحات ظهور خودشان را کاملاً مدیون او هستند. او در سال ۱۹۱۸ برای نخستین بار در "پراودای لنینگراد" فضائی را به صفحه "زن کارگر" اختصاص داد و در سازماندهی امور به گونه‌ای توانا شد که "صفحه" را به عنوان الگویی برای دیگر روزنامه‌های حزب در آورد. اما تنها [وجود] ایده ارزشمند نبود که ساموئیلو و/ا در این کار به خدمت گرفت. او به "صفحه" به عنوان یک روش خاص در میان اقشار عقب مانده کارگران زن می‌نگریست، به عنوان روشی برای تشکیل یک گروه فعال زنان کارگر.

"صفحه زنان" مانند مجله سابق زن کارگر، سواي همه این‌ها جایی بود که در آن زنان کارگر می‌توانستند خودشان را ابراز کنند، توانائی‌های خود را بررسی کنند و وظایف‌شان را درک کنند. او فهمید که مطبوعات بخش زنان فقط ارگان مطبوعاتی "زنان کارگر و دهقان" نیست، بلکه روزنامه‌ای متعلق به توده‌های زحمتکش است. او همواره به زنان کارگر می‌گفت: "این روزنامه خودتان است، می‌توانید عقایدتان را بیان کنید".

رفیق ساموئیلو و/ا همچنین اهمیت بسیار زیادی به جلسه‌های نمایندگان زنان می‌داد. تجمعات نمایندگان در تمام اتحاد جماهیر شوروی به عنوان قابل توجه‌ترین شکل از فعالیت زنان شناخته می‌شد. در سیزدهمین کنگره حزب کمونیست

شوروی رفیق ستالین، رهبر حزب، از اهمیت این جلسه ها به عنوان یک "کمر بند انتقال" بین حزب و توده های زنان سخن گفت. در این شکل از کار ساموئیلو و نوآوری های بسیاری ارائه کرد. او مطالعه کرد و عمق کامل توانائی های سازمانی و آموزشی خود را نشان داد.

ساموئیلو و برای سازماندهی جلسه های نمایندگان زنان روستائی در روستاها بسیار سخت کار کرد. در آن زمان این کار تنها از عهده خود او بر می آمد و تنها مجری برای دستیابی به یک وضعیت مناسب در سازماندهی بود، اما تمام اشکال سازمانی اش - وظایف، قواعد و دستور العمل ها - توسط ساموئیلو و تدبیر و در سومین کنفرانس سران نمایندگان زنان ایالتی شرح داده شد. کنفرانسی شبیه قوه مقننه که حزب مسؤولیت مهم کار در بخش زنان طبقه کارگر را به آن واگذار کرده بود.

همیشه ساموئیلو و بود که گزارش ها در مورد مسائل سازمانی را آماده و حل می کرد. هر زمان که ارتقای امری در مورد بخش زنان از طریق دفتر سازماندهی کمیته مرکزی حزب نیاز بود، این کار به رفیق ساموئیلو و سپرده می شد. گاه تنها حضورش برای حل و فصل هر چه زود تر مسئله مورد بحث کافی بود.

به ابتکار رفیق ساموئیلو و، پیش نهادی در کنگره نهیم حزب به تصویب رسید که یک بار دیگر بر نیاز به بخش زنان و ضرورت شدت بخشی به کار در میان زنان تأکید می کرد.

ساموئیلو و برای آموزش کارگران پیشرو بخش زنان، به ویژه آموزش سازمان دهندگان بخش های زنان منطقه ای تلاش زیادی کرد. او در کشف استعداد های جوان در قلب توده های کارگری، در هدایت زنان کارگر و دهقان با اعتماد به توانائی شان، در آموزش چگونگی انجام کار و در آموزش آن ها به عنوان مبارزان و سازندگان جامعه جدید، توانائی قابل توجهی از خودش نشان داد. کمتر کسی چنین استعدادی داشت. بسیاری از شاگردان جوان ساموئیلو و (زن و مرد) که در سراسر روسیه پراکنده بودند، کار های با ارزشی انجام دادند.

ساموئیلو و موهبت دیگری هم داشت، یعنی توانائی نوشتن جزوات ساده، روشن و روان و توده پسند. این جزوات برای کارگران و دهقانان زن، مانند مقالاتش در "صفحات زنان" - زن کمونیست و کارگر زن - بهترین نمونه نحوه نگارش برای توده ها بودند. او می دانست که چگونه سادگی را با خط مشی استوار کمونیست ترکیب کند تا پیش آمده های ساده را به زندگی توده ها نزدیک کند و از آن ها به عنوان وظایف بزرگی که طبقه کارگر در مبارزه خود با آن رو به رو بودند نتیجه گیری ارائه کند. او عبارات پر آب و تاب و مصنوعی را دوست نداشت. سبک او ساده بود، متناسب با خوانندگانش. او همیشه با صداقت و به گرمی صحبت می کرد. شاگردانش تهیه گزارش و برگزاری مذاکرات در شرایط دشواری که با آن رو به رو می شدند را از جزواتش یاد گرفتند. به تمام گوشه و کنار پهناور اتحاد جماهیر شوروی در اکثر موارد بدون هیچ دستمزدی، بدون اقامت گاهی برای زندگی، طی کردن راه پانزده یا بیست کیلومتری با پای پیاده و غذا خوردن در هر جایی که پیدا می شد گسیل شدند؛ در سفر های دایمی شان از آنجا که رهبری سیستماتیک حزبی نداشتند، برای تأثیر گذاری بر توده ها به جزوات ساموئیلو و رجوع می کردند.

جنگ داخلی به پایان رسید. حزب فراخوان داد اکنون که جبهه جنگ در برابر سفیدها (تزاریسما) تغییر کرده باید به مبارزه علیه فروپاشی اقتصادی بشتابیم. تزلزل و دودلی در صفوف حزب و فعالیت های بخش زنان دوره گذار را با پیچیدگی بسیاری همراه کرد. اما ساموئیلو و - همان ناتاشای همیشه سرکش بلشویک - هیچ تزلزلی به خود راه نداد: او به وضوح راه پیش رویش را می دید و به شدت در برابر هر گونه تلاش برای انحلال گروه های زنان پایداری می کرد. در این زمینه او از حمایت کمیته مرکزی حزب برخوردار شد.

حال که کارگران به کارخانه ها بازگردانده شده بودند و دهقانان به روستاها، کار در میان زنان با دو رویکرد همراه بود: نخست: افزایش تسهیلات آموزشی برای زنان، از طریق افزایش فعالیت آموزشی در جلسات نمایندگان، سازماندهی

محافل آموزشی و دوره‌های کوتاه‌مدت، استخدام بهترین کادر برای کالج‌های کارگری و غیره؛ دوم: کمک به زنان کارگری که در کارخانه‌ها باقی ماندند تا از پس وظایف جدیدشان در جهت بهبود تولید بر بیایند و به خودشان اجازه ندهند تا رفقای مرد بر آن‌ها برتری یابند.

ساموئیلو وا به سرعت راه‌هایی برای حل این مشکلات یافت: همایش تولید در شاخه‌های مختلف صنعت (صنعت نساجی، سوزن‌سازی و دیگر صنایع تولیدی)، آشناسازی زنان کارگر یک صنعت خاص با فرآیند تولید با استفاده از تکنیک کارخانه و غیره. نتیجه پیوند نزدیکتر این‌کار با اتحادیه‌های کارگری بود و سازمان‌دهندگان زن اتحادیه‌های کارگری نیز تعیین شدند.

ساموئیلو وا، به تنهایی کار شگرف تأثیر و تحریک سیاسی برای هدایت میلیون‌ها تن از زنان - زنان کارگر و دهقان و تمام زحمتکشان - در مبارزه علیه فروپاشی اقتصادی را ادامه داد. او یک‌سری جزوات نوشت، سخنرانی ایراد کرد، تجمعات غیر حزبی سازماندهی کرد، طی سفر دریائی خود با کشتی تبلیغاتی "ستاره سرخ" سفرهایی در امتداد ولگا و کاما کرد و خطر را گوشزد نمود، توده‌ها را به مبارزه در برابر فروپاشی اقتصاد ملی کشاند. در تبلیغاتش هرگز در به کارگیری اطلاعات دقیق کوتاهی نمی‌کرد، موضوع را به‌طور همه‌جانبه بررسی می‌نمود و آن را در جهت نهادهای شورائی که تنظیم نبض اقتصادی کشور را به عهده داشتند هدایت می‌کرد. او توانائی فوق‌العاده‌ای در زمینه اقتصادی و اجرائی از خود نشان داد.

زنان کارگر به ندای او پاسخ گفتند: "پیش به سوی جبهه صنعتی! بخوانید، وضعیت تان را بهبود بخشید".